

بیانیه

هموطنان،

میهن ما امروزیکی از تاریک ترین مراحل حیات تاریخی خود را می گذراند. گرچه انقلاب مردم ایران، در بهمن ماه ۱۳۵۷، نظام استبداد شاهنشاهی راواژگون ساخت، تلاش تاریخی ملت ایران در جهت تحقق آرمان های ملی خود یعنی: آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، به سرعت، با هجوم ارتجاع و استبداد مذهبی، از پیشرفت بازماند. ولی استقرار نظام استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی - که در شکل ولایت فقیه تبلور یافت - علل اساسی و ریشه های تاریخی این انقلاب و جوهر خواست های اکثریت ملت ایران را تغییر نمی دهد. انقلاب مردم ایران بی شک برخاسته از استبداد نظام سلطنتی و کلیه آثار تبعی آن یعنی فساد اجتماعی و اقتصادی و فقر فرهنگی و وابستگی حکومت به سیاست های استعماری بود: انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مولود انفجار نارضایتی و عصیان اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از فراگیری فساد و ظلم و استبداد و اختناق در همه ضوابط قانونی و روابط غیرقانونی حاکم بر جامعه ایران بود، همان گونه که سرکوب کلیه احزاب سیاسی، سندیکاها، کانون ها، شخصیت ها و نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه در دوران طولانی استبداد و اختناق و خودکامگی و فساد، سلطه استبداد و ارتجاع مذهبی را میسر ساخت.

آثار ناهنجار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نظام استبداد سلطنتی بر شرایط زندگی مردم ایران موجب گردید که رژیم جمهوری اسلامی، با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم و اعتقاد و ایمان آنها به افرادی که از روی ریاکاری و فریب خود را میری روحانی و پیام آور عدالت و برابری اسلامی معرفی کرده بودند، اختناق بی سابقه ای را با توسل به خشونت و بربریت قرون وسطایی بر جامعه ماحتمیل کند، امیدوارم مردم رابه امنیت و آزادی بر باد دهد، قلم هارابشکند و دهان هارابیند، زنان شجاع ایرانی را - که یکی از ارکان اصلی فروپاشی رژیم استبداد سلطنتی بودند - با جبر و عنف و با اعمال شیوه های وحشیانه اسیر «حجاب اسلامی» کند، آنان را از کلیه عرصه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بیرون راند و عمده ترین آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق سیاسی و مدنی آنان را سلب نماید.

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال یورش و تهاجم همه جانبه به مجموع ذخایر و عوامل حیاتی حیثیت و شئون انسانی، دانشگاه ها و مراکز فرهنگی و آموزشی را تعطیل کرد و همه تاسیسات اجتماعی جامعه: از خانواده تا مدرسه و اداره و کارخانه رابه مراکز تقشیش عقاید و جاسوسی و پرونده سازی و تسویه حساب های خصوصی تبدیل نمود. رژیم جمهوری اسلامی، به جای استفاده از تفاهم و ایثاری که در نتیجه اتحاد اکثریت قریب به اتفاق مردم در جریان انقلاب به وجود آمده بود،

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق

در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۰ - ۶ اوت ۲۰۱۱

www.ois-iran.com / socialista@ois-iran.com

باتبلیغات گسترده و باسوه استفاده از اعتماد مردم، با افشاندن تخم نفاق و تهمت و افترا و تکفیر، زمینه های مساعد و خلاق دوستی و همبستگی و اعتماد رابه دشمنی و کین تیزی و انتقام جویی مبدل کرد و جریان متنوع جوشش افکار و برخورد عقاید و آراء رادر سیلابی از خون و آتش متوقف نمود و هزاران هزار زن و مرد و دختر و نوجوان بیگناه، میهن دوست و آرمان خواه رابه جوخه های آتش سپرد یاد رزندگان های وحشت بار به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها کشید، کردستان رادر هجوم سبانه خود در خون و آتش و ویرانی غرق کرد، مبارزات حق طلبانه مردم آذربایجان و سایر ایالات و ولایات ایران رابیرحمانه سرکوب نمود، باسوه استفاده از جنگی که رژیم توسعه طلب صدام به کشور ماتحمیل کرد، جوانان و نوجوانان مارا گروه گروه قربانی کرد و ده ها هزار معلول و صدها هزار آواره و بی خانمان و صدها میلیارد تومان خسارت ناشی از ویرانی تأسیسات صنعتی جنوب و خانه و هستی مردم جنگ زده برای جامعه مایه ارمغان آورد، با تاراج ثروت ملی و اشاعه فساد و تقدیم میلیاردها دلار اندوخته ارزی کشور به بیگانگان اقتصاد کشور رابیش از گذشته به دولت های بیگانه وابسته کرد، از آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی - که خواست و آرمان مردم ما بود - جز امید بر یادرفته ای در خاطره ملت ستمیده ایران برجای نماند. طبیعی است چنین رژیم فاسد و جبار و خود کامه ای که در بستری از خون و آتش و ظلم و استبداد و خفقان پیش می رود، سرنوشتی بهتر از نظام فاسد و جابر شاهنشاهی نخواهد داشت - و به احتمال قریب به یقین، با آثار و عواقبی بس و ایران گرتروشم تر از آن.

اکنون نیز نظیر دوران انقلاب مشروطیت و نهضت ملی ضد استبدادی و ضد استعماری به رهبری دکتر محمد مصدق و سال های طولانی ستیز و مبارزه با استبداد سلطنتی، که به انقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ و فرو پاشی نظام فاسد و خود کامه شاهنشاهی انجامید، مسیر اصلی مبارزه سیاسی در تلاشی همه جانبه، با استفاده از کلیه شیوه ها، برای سرنگون کردن نظام ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت ملی و حکومت مردم سالاری تبلور می یابد. تلاش برای واژگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و استبداد ولایت فقیه باید آنچنان باتدبیر و واقع نگری و دوراندیشی و اتحاد توأم گردد که باردیگر به تسلط استبدادی تازه یا تجدید اسطوره های شخصیت پرستی و رهبرگرایی منتهی نگردد و باز باردیگر پریشانی، بیچارگی و استیصال مردم ایران از توحش و شقاوت و بربریت متولیان جمهوری اسلامی، مورد سوء استفاده قدرت مداران تازه به دوران رسیده و هواداران رژیم پیشین به عنوان «نجات دهندگان» موعود ایران قرار نگیرند.

اجتناب از این فاجعه و احیای حاکمیت ملی و استقرار دموکراسی و حکومت ملی و مترقی مشروط به این تصمیم و کوشش است که طرفداران صدیق و آگاه و واقعی آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی ایران به ایجاد سازمان سیاسی وسیعی که پاسخ گوی خواست ها و نیازهای عمده و مبهم مردم مادر این مرحله تاریخی باشد دست یازند. بخش عظیمی از نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه ایران جمهوری خواهند و با هرگونه نظام خود کامه سلطنتی و مکتبی و مسلکی - که در ذات و ماهیت خود مخالف باتناوب قدرت بر حسب آرای آگاهانه مردم است - مخالفند. تلاش و کوشش برای گردهم آوردن و تشکل این نیروها و وظیفه ای است که اینک همه عناصر و شخصیت ها و گروه های سیاسی ملی و مترقی و سوسیالیست های آزادیخواه ایران برعهده دارند. در حال حاضر، برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به استبداد و فساد و زورگویی و آدمکشی ولایت فقیه به منظور استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی در ظرفیت هیچ یک از گروه ها و سازمان های سیاسی به تنهایی نیست.

تشکیل ملیون و آزادیخواهان ایران این امکان را پدید می آورد که همه عناصر و گروه ها و نیروهای که خود را در طیف های مختلف فکری و اعتقادی به جریان تاریخی نهضت ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران وابسته می دانند، دست ائتلاف و اتفاق و اتحاد به هم دهند و بر اساس هدف های عمده و برنامه ای موجز و مشترک - که پاسخ گوی ضرورت تاریخی این مرحله از مبارزه ملت ایران است - متحد و همگام و هم‌مرز شوند و در پرتو این اتحاد و همگامی در مبارزه سیاسی - اجتماعی، شام سیاه میهن ما را سحر کنند.

ملیون مترقی و آزادیخواهان آگاه ایران به هیچ وجه حاضر نیستند به بهانه «سلطنت مشروطه» به استقرار مجدد خانواده پهلوی در مسند حکومت استبدادی تن در دهند، چرا که اصول حکومت مشروطه و دستاوردهای انقلاب مشروطیت اکیداً توسط نهاد سلطنت در دوران پهلوی پایمال شد. تجربه تاریخی سلطنت در ایران و ماهیت و ترکیب نیروهایی که دیروز پاسدار نظام شاهنشاهی آریامهری بودند و امروز پشت عنوان «سلطنت مشروطه» سنگر گرفته اند مبین این واقعیت است که در ایران، نهاد سلطنت ناقض مشروطیت و استقرار دموکراسی و استقلال و حکومت ملی است. برنامه «سلطنت طلبان» که، پیشاپیش، همه قوانین دوران پهلوی را پایه و اساس حکومت «مشروطه» اعلام می کنند، ماهیت واقعی نظام دلخواه آنان را به روشنی نمایان می سازد.

آزادیخواهان آگاه و ملیون مترقی ایران اعتقاد دارند که نظام سیاسی جامعه ما نباید به قیود و ضوابط و احکام انحصاری هیچ مذهب و مسلکی مقید باشد، زیرا نظام مردم سالاری و حاکمیت ملی بر اصل تناوب و انتقال قدرت بر حسب آرای اکثریت رأی دهنده استوار است. و بهمین دلیل، نظام جمهوری بر پایه حاکمیت ملی و مردم سالار نمی تواند با هیچ نشان و شعاری که شاخص انحصاری اعتقادات مذهبی و مسلکی گروه های سیاسی و اجتماعی باشد مشخص شود. به عقیده ما، استقرار «جمهوری ایران» - که خواناترین شکل حاکمیت ملت است - باید سرلوحه مبارزه ملیون مترقی و آزادیخواهان ایران قرار گیرد.

مبارزان و فعالان و نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه ایران، چه در داخل و چه در خارج کشور، باید با پشتکار و پیگیری بکوشند تا بر اساس یک توافق جدی و یک تفاهم اصولی، همه افراد و گروه ها و نیروهای ملی و مترقی و جمهوریخواه را گرد هم آرند و زیر لوای سه اصل جدایی ناپذیر «آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی» با حفظ هویت سیاسی و سازمانی خود، در یک شکل وسیع، فعالیت ها و مبارزات خود را همسو و هماهنگ سازند. تحقق این اتحاد عمل سیاسی و این شکل وسیع، به یقین، نیروها و امکانات موثر و پویایی را به صحنه نبرد و مبارزه بارزیم جمهوری اسلامی و به منظور استقرار دموکراسی و حکومت ملی و جمهوری ایران خواهد کشاند و وفق تازه ای را در طیف نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه و مخالف ارتجاع و استبداد و استعمار خواهد گشود.

امضا کنندگان این بیانیه، با مسؤولیتی که در این لحظات خطیر، تاریخ ایران احساس می کنند، تصمیم گرفته اند مساعی خود را در جهت پی انداختن چنین تشکل وسیعی بر مبنای اصول عمده و اساسی زیر به کار بندند:

- ۱- استقرار حاکمیت ملی و حق شرکت و نظارت مردم در تاسیس و عملکرد نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در نظام جمهوری ایران تحقق خواهد یافت.
- ۲- جمهوری ایران بر اساس نظام دموکراسی پارلمانی، اصل تفکیک قوا، اصل تنوع عقیده، مذهب و مسلک، تأمین و تضمین حقوق آزادی های فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی

حقوق بشر و میثاق های ضمیمه آن استوار خواهد بود.

۳- جمهوری ایران براساس جدایی دین از حکومت استوار خواهد بود بدون این که پیروان هیچ مذهب و مسلکی را از دخالت در سیاست بازدارد.

۴- در جمهوری ایران زن و مرد از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مساوی و مشابه برخوردار خواهند بود.

۵- برای تحقق دموکراسی و تعمیق و گسترش حاکمیت ملی - که اساس آن شرکت و نظارت مردم در امور مربوط به مسایل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زندگی خویش می باشد - جمهوری ایران براساس عدم تمرکز قدرت استوار خواهد بود. بدیهی است این عدم تمرکز قدرت در چهارچوب تمامیت ارضی ایران و اولویت مصالح ملی نسبت به مصالح محلی خواهند بود. امارف تعصیبات و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ملت ایران که در طیف های مختلف نژادی و زبانی و مذهبی و در زمینه های متنوع سنن و آداب ملی و قومی در سرزمین ایران زندگی می کنند، ایجاب می کند که مردم ولایات و ایالات ایران باحد اکثر امکانات مطلوب در اداره امور محلی و منطقه ای خود شرکت نموده و در تصمیم گیری های مربوط به شرایط زندگی خویش از طریق بنیادهای انتخابی خود سهم و ناظر باشند.

۶- سیاست پیشرفت و تحول اقتصادی در جمهوری ایران براساس عدم وابستگی و توزیع عادلانه درآمد ملی استوار خواهد بود.

۷- در سیاست خارجی، جمهوری ایران سیاست عدم تعهد را در پیش خواهد گرفت و با سایر ملل روابط عادی براساس حقوق مساوی و متقابل و جلوگیری از هرگونه نفوذ و مداخله بیگانگان برقرار خواهد کرد. سیاست خارجی جمهوری ایران بر بنیاد حسن همجواری با کشورهای همسایه و حسن همسرداری با کشورهای جهان سوم، ملل استعمارزده و محکومین تبعیض و تمصب نژادی قرار خواهد داشت.

مابا انتشار این بیانیه گام اول را در زمینه ارائه یک طرح عمومی جهت ایجاد تفاهم و همبستگی و اتحاد عمل سیاسی عناصر و گروه ها و نیروهای ملی، مترقی و آزادیخواه، بر محور اصول ذکر شده، برداشته ایم. باشد که با همفکری و همت بلند و همگامی ملیون واقعی و آزادیخواهان آگاه ایران اسباب تحقق این مهم هرچه زودتر فراهم آید.

بنابراین، ما از همه عناصر و گروه ها و نیروهای ملی و مترقی و آزادیخواه درخواست می کنیم، در اسرع وقت، نظرات و پیشنهادات و شیوه همکاری خود را در جهت انتخاب بهترین وسایل ممکن و مفیدترین راه های شکل و همگامی با مادر میان گذارند.

نامه های خود را به نشانی زیر ارسال دارید و اطمینان داشته باشید که آراء و نظرات و هویت شما محترم و محفوظ خواهد ماند.

کمال ارس (عضو هیأت اجرایی جبهه ملی ایران در اروپا) - عبدالکریم انواری - مهران براتی - بهروز بدیع - امیر پیشداد - رحمت خسروی - علی راسخ افشار - منوچهر رسا - رضا رهبری - علی شاهنده - حسن شریعتمداری - فرخ شعاعی - عباس شیرازی - احمد طهماسبی - محمد علی همایون کاتوزیان - علی گوشه - عبدالکریم لاهیجی - قاسم لباسچی - حسین منتظر حقیقی - حسن تزیه - فرهاد باستانی (عضو هیأت اجرایی جبهه ملی ایران در اروپا).
شازدهم آذرماه ۱۳۶۲ (برابر با هفتم دسامبر ۱۹۸۳)

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق
در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۰ - ۶ اوت ۲۰۱۱

www.ois-iran.com / socialistha@ois-iran.com